

وقتی همچون یحیی در مورد عیسی دچار تردید می‌شویم! (دکتر مهرداد فاتحی)

در انجیل لوقا می‌خوانیم که یحیی‌ای تمعیددهنده شاگردانش را می‌فرستد تا از عیسی بپرسند: «آیا تو همانی که می‌بایست بیاید یا منتظر دیگری باشیم؟» (لوقا ۷:۱۹). سؤال یحیی کمی عجیب به نظر می‌رسد، چرا که او کسی‌ست که به عنوان نداکننده در بیابان، راه را برای آمدن مسیح آماده می‌سازد، و در حقیقت، تمامی زندگی او در این رسالت خلاصه می‌شود که فضا را برای آمدن مسیح آماده سازد. او درک روشنی از رسالت خود دارد و می‌داند آن مسیحا و نجات‌دهنده موعود ظهور کرده، و انتظار قوم خدا برای دیدن نجاتی که قرن‌ها در انتظارش بودند، به‌سر آمده است. او در این مورد تردیدی ندارد. با شروع خدمت عیسی، یحیی با مشاهده اعمال و تعالیم او، اطمینان و یقین بیشتری نسبت به او حاصل می‌کند. تا اینکه برای یحیی اتفاقی می‌افتد که او را دچار شک و تردید می‌سازد: او به خاطر خدمت نبوتی‌سازش‌ناپذیری که داشت، هیروودیس حاکم را به خاطر گناه آشکارش در زندگی با هیروودیا، همسر برادرش، و شرارتهای دیگری که کرده بود، بی‌مه‌ابا توبیخ می‌کند. و این عملکرد او در نهایت به زندانی شدنش می‌انجامد (لوقا ۳:۱۹ و ۲۰). اما در زندان این سؤال برای یحیی پیش می‌آید که اگر عیسی همان مسیحا و نجات‌دهنده موعود است، و همه شواهد و قرائن موجود نیز این امر را تایید می‌کنند، پس چرا او اقدامی برای نجات وی از زندان به عمل نمی‌آورد؟ مگر خود یحیی در هنگام تمعید دادن عیسی ندیده بود که چگونه روح خدا چون کبوتری بر وی قرار گرفته بود؟ پس چرا در این زمان تنگی، عیسی برای کمک به او حرکتی انجام نمی‌دهد؟ در این شرایط، تجربه شخصی یحیی به گونه‌ای‌ست که او را در مورد ماهیت رسالت و شخصیت عیسی دچار تردید می‌سازد. پس عیسی در برابر چشمان فرستادگان یحیی کارهایی را انجام می‌دهد و سخنانی را به زبان می‌آورد که می‌داند یحیی از معنای آنها به‌خوبی آگاه‌ست، و شهادت شاگردان یحیی هم در مورد آنچه دیده‌اند، یحیی را مطمئن

خواهد ساخت که او همان کسی است که رسالت اصلی زندگی یحیی معطوف او بوده است. در کلام خدا دیگر به شهادت شاگردان یحیی و واکنش او اشاره‌ای نشده است، اما می‌توان چنین استنباط کرد که در نتیجه شهادت آنان، هر گونه شک و تردیدی در مورد عیسی از فکر یحیی برطرف می‌شود. یحیی به اطمینانی مجدد می‌رسد، اما با این حال، تغییری در شرایط او به وجود نمی‌آید. عیسایی که کوران را بینا می‌کند و جذامیان را پاک می‌سازد و مردگان را زنده می‌گرداند و به فقیران بشارت می‌دهد، کاری در مورد آزادی یحیی از زندان انجام نمی‌دهد و فقط بر این موضوع تأکید می‌کند که «خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد.» (لوقا ۷:۲۳)

به عبارت دیگر، خدمت و تعالیم عیسی، نجات‌دهنده بودن او را تصدیق می‌کنند، اما عمل نکردن عیسی بر طبق انتظارات و خواسته‌های کسی نباید باعث شود تا او حقیقت نجات‌دهنده بودن وی را زیر سوال ببرد. عملکرد عیسی در زمان خودش با خواسته‌ها و انتظارات بسیاری همخوانی نداشت، و یهودیان دیندار بسیاری به خاطر پیش‌فرضها و انتظارات خود نمی‌توانستند اهمیت اعمال و سخنان عیسی را درک کنند، چون عیسی مطابق انتظارات آنها عمل نمی‌کرد. مثلاً انقلابیون یهودی که با رومیان می‌جنگیدند، اگرچه شاید شاهد برخی معجزات عیسی بودند، اما نمی‌توانستند درک کنند که چرا عیسی از قدرتش برای نابود ساختن رومیان استفاده نمی‌کند. یا فریسیان و معلمان شریعت که در حفظ جزئیات شریعت غیور بودند، نمی‌توانستند بفهمند که چرا عیسی با باجگیران و فاحشه‌ها مراودت دارد، و کسانی را که از نظر شریعت یهود اشخاصی منفور و مطرود محسوب می‌شدند، می‌پذیرد و پیغام نجات را به آنها اعلام می‌کند. آنها قدرت عجیب خدا را در خدمات عیسی می‌دیدند و از عمق و قوت تعالیم او در شگفت می‌شدند، اما چون عیسی بر اساس انتظارات و پیش‌فرضهای آنها عمل نمی‌کرد، دچار سرخوردگی و لغزش می‌شدند. یحیی نیز در شرایطی مشابه قرار می‌گیرد، و اگرچه قدرت و حقیقت خدا را در زندگی عیسی می‌بیند، اما شرایطی که در آن قرار می‌گیرد، باعث می‌شود تا در مورد عیسی دچار تردید شود.

گاهی ایمانداران هم در زندگی خود در وضعیتی قرار می‌گیرند که علیرغم اینکه حقیقتی که در عیساست آنها را در مورد حقانیت و نجات‌دهنده بودن او مجاب کرده است، اما به ظاهر، شرایط فعلی‌شان با حقیقت نجات‌دهنده بودن عیسی در تضاد قرار می‌گیرد، چراکه او بر اساس انتظارات آنها عمل نمی‌کند. در چنین شرایط دشواری‌ست که فرد ممکن است در مورد عیسی دچار سرخوردگی و لغزش شود و حقانیت او را زیر سؤال برد،

و یا حتی با خود بیندیشد که عیسایی که برای دیگران اعمال بسیار انجام می‌دهد و آنها شهادت اعمال عظیم او را در زندگی خود می‌دهند، چرا کاری برای من انجام نمی‌دهد؟ در چنین وضعیتی، عیسی ما را بدون پاسخ رها نمی‌کند، و همچون یحیی، نشانه‌هایی به ما می‌دهد تا مطمئنمان سازد که او همان کسی‌ست که می‌گوید و ما فکر می‌کردیم. در چنین اوضاعی، ایماندار باید به شکل‌هایی مختلف در مورد حقانیت نجات عیسی مجدداً از خدا پیغام بگیرد. در مورد یحیی در انجیل لوقا می‌خوانیم که: «در همان ساعت، عیسی بسیاری را از بیماریها و دردها و ارواح پلید شفا داد و نابینایان بسیاری را بینایی بخشید» (لوقا ۷:۲۱). عیسی نسبت به شک و تردیدهای یحیی بی‌تفاوت نبود و واکنشی در خور به درخواست او می‌هد، و شاهدان عینی آنچه اتفاق می‌افتد، می‌توانستند شهادت شخصی خود را در این مورد به یحیی بگویند و او را کمک کنند تا از تردیدهایش آزاد شود. به یقین، یحیی از شنیدن شهادت عالی شاگردانش باز دلگرم شد و تردیدهایش برطرف گردید. اما شاید با خود اندیشید: «بسیار خوب! متوجه شدم که در مورد عیسی اشتباه نمی‌کردم و او همان کسی‌ست که منتظرش بودیم. اما سؤال شخصی من این است که چرا او در مورد من کاری نمی‌کند؟ آیا مرا فراموش کرده؟ یا خطا و قصوری در من هست که سزاوار چنین عقوبتی هستم؟» تصور آنچه بر یحیی گذشت خیلی هم دور از ذهن نیست. اساساً ما انسانها، در تجربه وجودی خود از رخدادهاست که با حقیقت الهی درگیر می‌شویم و ایمان ما نه پذیرش نظری آموزه‌ها بلکه نتیجه درگیری وجودی و شخصی ما با مسائل زندگی و پاسخی که در این بحبوحه از خدا می‌یابیم یا تجربه‌ای که در این حین کسب می‌کنیم، شکل می‌گیرد. پس پاسخ یحیی چه بود؟

عیسی دغدغه یحیی را درک می‌کند، و با انجام معجزات در سطحی کلی و با واکنشی درخور، شاگردان او را روانه می‌کند تا باز به او اطمینان بخشند. گاهی انسان، در شرایط بحرانی و تحت فشارهای گوناگون، در مورد برخی حقایق بدیهی نیز ممکن است دچار تردید شود. به یقین، بازگشت شاگردان یحیی و شهادت آنان، عاملی مهم در تقویت یحیی در این شرایط دشوار بوده است. می‌توان تصور کرد که اکنون او با کسب اطمینانی تازه، و در فضایی جدید و با یقین ایمان، می‌توانست در بطن رابطه شخصی‌اش با خدا، در مورد معنای تجربه‌ای که از آن عبور می‌کرد، و انتظاری که خدا در آن وضعیت از او داشت، به تأمل بنشیند. یحیی اکنون باید با این واقعیت روبه‌رو می‌شد که خدمتش بر زمین پایان یافته، و باید به‌زودی نزد خدای خود بشتابد. حال او می‌توانست با این حقیقت روبه‌رو شود و خود را مهیای آن سازد. در شرایط بحرانی، ما نیز ممکن است در مورد اصول اساسی ایمان و حقانیت عیسی دچار تردید شویم. در چنین اوضاعی، خدا

قدم به قدم، ما را آمادهٔ رویارویی با مسائلی که مقابلمان است، می‌سازد. به‌یقین او با ما سخن می‌گوید و چشم‌اندازی نوین از شرایطمان به ما می‌دهد. منتهی در شرایط دشوار و بحرانی، و خصوصاً در شرایطی که باید با واقعیتی روبه‌رو شویم که پذیرش آن چندان آسان نیست، خدا مرحله به مرحله و متناسب با سطح تحمل و پذیرش‌مان با ما سخن می‌گوید. اما در این شرایط، نحوهٔ برخورد و پذیرش ما در ارتباط با خدا بسیار مهم است. عیسی به‌تأکید می‌گوید: «خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد»، یعنی خوشا به حال کسی که علی‌رغم اینکه شرایط برخلاف انتظارش است، اما باز به خدا اطمینان دارد و به نیکویی او شک نمی‌کند، در انتظار عمل خدا و یا پیغام اوست که شاید فوق از تصورش باشد اما می‌داند خدا برای شرایط او پیغام و فیضی مخصوص دارد که دریافت آن مستلزم ایمان و انتظار و اعتماد است. وقتی متوجه می‌شویم که خدا می‌خواهد در ما نه مطابق با انتظاراتمان، بلکه به شکلی متفاوت و در مسیر گسترش پادشاهی‌اش عمل کند، آنگاه با نگاهی بازتر و با قلبی پذیراتر آمادهٔ پذیرش ارادهٔ او می‌شویم. و البته پذیرش ارادهٔ او همیشه هم آسان نیست، و گاهی باید دعا کرد که نه خواهش ما بلکه خواست خدا انجام بشود. گاهی برای رسیدن به نتیجه، باید فرآیندی طولانی را پیمود، و رسیدن به وادی یقین، گاه مستلزم عبور از دره‌ها و پرتگاههای هولناک شک و اضطراب است، و این اساساً از ویژگیهای ایمانی پویا و واقعی‌ست. گاهی برای گرفتن پاسخ و برکت، باید با خدا کشتی گرفت و پس از آن دچار لنگی شد. می‌توان تصور کرد که یحیی با ملاقاتی تازه با خدا و درک اینکه مأموریتش پایان یافته، آمادهٔ رفتن به آسمان شده بود. می‌توان تصور کرد که یحیی گسترش پادشاهی خدا و آشکار شدن فزایندهٔ جلال او را در خدمت عیسی تشخیص می‌دهد و با آرامش خاطر آمادهٔ ترک دنیا می‌شود. می‌توان تصور کرد که اراده خدا را برای شخص خودش عمیقاً درک کرده و آن را پذیرفته است. می‌توان چهره آرام یحیی را در سیاهچالی کثیف مشاهده کرد که لبخندی از رضایت بر آن نقش بسته است و آماده پرواز به سوی آسمان است.

خدا با یحیاهای مردد سخن می‌گوید.

خدا با یحیاهای مردد در زندانهایشان ملاقات می‌کند.

خدا یحیاهای مردد را آماده می‌سازد تا ارادهٔ او را در مورد زندگی‌شان بفهمند و تسلیم او شوند.

خدا به یجیاهای مردد درکی تازه عطا می‌کند تا بفهمند که ممکن است ارادهٔ او آزاد شدن آنها از شرایط سختی که در آن هستند نباشد، بلکه می‌خواهد فیضی را به آنها ببخشد که معنای بودنشان را در آن شرایط سخت درک کنند.

خوشا به حال کسانی که به سبب او لغزش نخورند...